امر وزيا مولانا

بــا قضــای آســمان هیچنــد هیــچ چون کند او خویش را از وی نهان نے مفےر دارد نے جےارہ نے کمپین ئے شےد ذرات عالے حیلہ پیے چــون گریزد ایــن زمین از آســمان هرچــه آید ز آســمان سـوی زمین

0

یک خبر|یک نگاہ

کاش به مدار پیگیری بچرخد

بهطور قطع شیهروندان نقش موثری در حفاظت و . حراست از محیط زیست دارند. این که در این طرح نیز مشار کت مردمی به طور صددر صدی مورد توجه قَرَار گرفته موفقیت طرح را رقم خواهد ُ زد. این کمپین در حالی کار خود را آغاز می کند که افزایش ترددخودرووبه تیع آن فون (می افزایش ترافیکه آن اودگی هوا و آلودگی صوتی را در شهرهای کشور افزایش داده است.این مشکلات در کلاتشهر تهران در مقایسه با شهرهای دیگر به میزان معناداری بیشتر است. در صورت تحقق اهداف این کمپین و توسعه حمل ونقل عمومی واز سوی دیگر ترغیب شهروندان به استفاده از وسایل حمل ونقل عمومی به طــور قطع وضع آلودگی صوتی و آلودگی هوا در تهران تغییر خواهد کرد.امیدواریماین کمپین بر مدار پیگیری بچرخدو بتوانداهداف ترسیم شده راعملی کند.

معصومه ابتـکار، رئیــــــر نــــازمان حفاظت محیطزیســــــ به خاطر آخرین اقدام شــهرداری تهــران در اجــرای کمپین «آســـمان آبــی، زمین پاکه از شـــوداری تشــک و کردایتکاریا تأکید بر پاکه از شــــوداری تشــک و درایتکاریا تأکید بر این که سازمان محیطزیست در اجرای این طرح با شهرداری تهران همکاری خواهـ د کرد، گفت: د شهرداری پایتخت جای تقدیر دارد. اقدام ارزشم قطعا سازمان حفاظت محيطز يست واداره كل محیطزیست استان تهران در آجرای برنامهٔ های فرهنگی و آموزشی وار تقای فرهنگ محیطزیست شــهروندان با شــهرداری تهران همکاری خواهد کرد.معصومه ابتکار بااشــاره به این که اجرای طرح «آســمان آبی، زمین پــاک، با دو محــور اتضباط «استمان ایی زمین پت» به بو مسور سبد. ترافیکی و تفکیک زبالیه از مبدأ، گامی موثر در -دانا ::.محیط: ست در حوزه شهری است، گفت:

10 1

واقعيت چيست؟

مرهنر وادبيات دانسته كهصرفا در پی بازنمایی واقعیت اس داستانهای مجموعـه رخت،هرچنداندکاماتمامی بن مؤلفهها را در ساختار خود حای داده است. نو سنده در ابر ىجموعە سعى كردە است براى ه تصویر کشــیدن ارزشهای فردی، حتی از اضدارزش،ها نیزاستفاده کند.شخصیتهای بجموعــه داســتان درخــت نداما د قهرمان نيس هرچنا ممان گونه که در جامعه شناسی

برش

ىدرن، يُــک ضُدقهرمــان نيز ــمار میرود، در این مع وعى قهرمان نیز از «ابتذال»، به شکل گوناگون اما با لعابهایی متفاوت استفاده شده است. گاهی لعاب ابتذال از

ت. گاهی لعاب ابتذال از بهشت هم خوش آبورنگ تر است و گاه مثل یک جنین انسانی، از پدر و مادری مقدس یا شرور زاييدەمىشود. برشیازکتاب«درخت»

شاتر

ىن بايــد آن راابتــدا پديد از خطابه گونتر آیش جیستی آدبیات را در زبان داستان،بعضی در ساختار و درباره «ماهیت واقعیت» از دیرینه ترین مسائلی است که در تاریخ فلسفه و هنر وجود داشته است.

ر. بابنده در کتاب «داستان کوتاه در

بازگشت

عضی نیز در محتوای آن میدانند. درواقع پر سش ايران، يكي از اين مهم تريب چالشهاي مباني جنبش رئاليسم راتفاوت بين ظاهر وباطن مى داند.

او در اين كتاب واقعيت راشاهواژه جنبش رئالي Ô

امروز به چی فکر می کنی؟

حفاظتاز محیطزیسترابه«نسلنو»بیاموزیم

نیز کار کردن برای بچههـــا را بیش از هر کار دیگری موثر میدانم. در این میان اصلانباید مسئولان را مخاطب قرار داد. حتی اگر بناست درمورد مفاهیم ضد جنگ یا سیاست.های حافظ محیطزیست، قانونی هم وضع شـود، باز به حساسیت و کوشش خودمردم بستگىدارد. عمل كردن به اين قانون هم به خودمردم وابسته است. مگر تا امروز در اين زمينه بسیاری دیگر از موضوعات، قانون های متنوع و فوناگونی وضع نشده است؟ پس چرا به نقطهای که مور دنظر تمام دوستدار ان صلح و طبیعت بوده نرسیدهایم؟ کافی است از تهران به سمت کرج حرکت کنید تـــا زیر پا گذاشـــتن و لگدمال کردن قانونی که ریختن زباله از شیشه خودرو را منع کرده، نظاره کنید. باید بپذیریم فرهنگسازی، که لازمه سیدن به نقطه دلخواه بود، انحام نشده است! حند بيش به شـــهرى در ارو پامسافرت كردم كه به لحاظ جغرافيايي، يوشش گياهي، فاصله از درياو ــ به رشت شباهت فراوانی دارد. با این وجود تفاوت این دو شهر درست مثل فاصله زمین تا آسمان است. در آن شـــهر حتى از يک چوب کبريت که روى زمين افتاده باشد، خبری بید پر به بیرید - روی رسین افتاده باشد، خبری نبود اما کافی است در اطراف رشت یا داخل شهر، گشتی بزنید تا اسفناک بودن ضع محيطز يست را شاهد باشيد. اين اتفاق تقم خود مردم است و ربطی به این یا آن دولت ندارد. قرار هم نیست همیشه موضوعات ااز منظر قانونی موردبررسی قرار دهیم، بسرای حفاظت از محیط زیست، قبل از هرچیز نیازمند خواست عمومی ریست، دین از مرجیر نیار رامند خواست عمومی هستیم همیشه نباید چش مهمان به قلوی گذاران و مسئولان باشند، برخی از مسائل به نوع رفتار سلوک تربیتی که تجربه کردهایم، مربوط است. مربع مایز کسالان خوب تربیت نشدهایم، باید به فکر كودكانمانباشيم.

سو ک ملکی dista.

محيط زيستاز جمله حوزههاى پر مسالهاى است که مسّئولان و مردم به آن توجّه چندانی ندارند. تصور من دراین باره به گونه ای است که ایران را شبیه یک سطل بزرگ زباله می بینم و به محض این که پا رااز تهران بیرون می گذاریـم، این وضع دردناک تر ہے شود البته وضع تھران ھی چندان مساعد نیست اما در این شهر کارگران شریف شهرداری تا حدود زیادی شلختگی های مردم راجمع وجور می کنند. ربه ک به محض این که پا را از شهر بیرون بگذارید، متوجه عمق فاجعه می شـــوید. کیســـههای پلاستیکی و زباله در همه جادههای ایران قابل رؤیت اســـت. باد زبالههایی را که مــردم روی زمین می ریزند، با خود می برد تا به خار و خاشــاک زمین های بایر برساند. کیسه های پلاستیکی و… در ایس زمین ها گیر میافتند و مزرعه ای از زباله و پلاستیک به وجود می آورند. خاک روی این زباله می نشیند و در ادامه با ى رو ىدفونشدن اينزبالەھاى تجزيەناپذير (بەبيان بھتر دیر تجزیهپذیر) هیچ گیاهی در زمین رشد نخواهد کرد نفس این کار وبرر سیع پیلی کر رسین سد بود. کرد نفس این کار وبرر سی چرایی این اتفاق نازیبا، همیشه برای من مورد ســوال بوده است. در چنین شرایطی من از بزر گســالان نامید هستم. کسانی ر ـ یی از دربر مثل شعرا، داستان نویسان، معلمان، مربیان و پدر و مادرها که با کودکان کار می کنند، باید احترام به محیطزیست را به این انسـلنوا بیاموزند. مسأله محیطزیست را به این انسـلنوا بیاموزند. مسأله دیگری که ذهن مرا به خود مشـغول کرده، جنگ ست. این اتفاق شوم در دور و بر ما (خاورمیانه) یش از هر جای دیگر دنیا وجود دارد به همین دليل مابايد بيشتر صلح را تبليغ كنيم. در اين زمينه

مىخواستمشكل راحل كنند. صحنهای که چندروز پیش در یکی از پار کهای پ رزرې، ک رو یې و په روزهایی برد که م خودم دیدم، مرا به روزهایی برد که

از سر دلتنگی

نهران به ج درباره بیگانگان این گونه میاندیشــیدم. با خودم گفتم: در جامعهای که همــه ادعای عاطفی بودن ومراعات كردن حقوق ديگرى را دارند وضع چنين ن. هیچ کس ذرمای رحم و مروت نداشت که از جوانک شهرستانی حال و احوالش را جویا شود و حداقل چنددقیقه بالو سخن بگوید.بعداز آن به نظرم رسيد شـايد مردم فكر مى كنند اين جوان معتاد اسـت و به همين دليل بى توجه از كنارش می گذرند. برای بی توجیه بودن علاوهبر این بهانه، هزاران بهانه دیگر هم می شود تراشید. با این وجود ت. تهران شهری تهران جای زندگی کردن نیا بى عاطفه است. به هزاران دليل، مترصد موقعيتى ـتم تا تهران را رها کنم و هیچوقت هم هوس باز گشت به این شهر به سرم نزند.

اينشهر بىعاطفه

کاوہ گوھرین ه هیچوجهاز زندگی در تهران خوشحال نیا

اگر موقعیتی برای رفتن فراهم شود میخواهم از این شـهر فرار کنم. واقعیت این است که مسائل زندگی همه ما را چهارمیخ مجبور کرده در تهران آلـوده (هم از نظـر فرهنگی و هــم از نظر محیط زیستی) زندگی کنیم. این شهر اصلاحای زندگی نیست. کسانی که امکان مهاجرت به شهرهای پاکتر (هم از نظر اجتماعی و هم از نظر طبیعت موجود در آن شهر) را دارند، نباید در این مورد ، نگ کنند

همین دیے وز در حال عبــور از محوطه یکی از پارکهای شـهر بودم. جوانی شهرستانی را دیدم که کیف دستی بزرگی در دست داشت و در گوشـهای اشــک میریخت. هیچکس برای کنار او بــودن حتى قدمى هم سســت نكر د، هيچ كس ر. رو ی ی ی ب سعی نکرداز او بپرسد چه مشـکلی داری و چرا اشک میریزی؟ همه رهگذران با کمال بی اعتنایی سرشان را پایین انداخته بودند و رد می شدند. حتیی از یک نےگاہ خشےک و خالی ہے مخبری نبود. حس مـــن در آن لحظه این بـــود که زندگی ببود عن من من ان معنایی جود حرف دی ماشینی آنچنان در میان این مردم رسوخ کرده که فکری جزیک امن؛ را در ذهن ها باقی نگذاشته است، به همین خاطر است که هر کسی فقط در اندیشه آرامش و راحتی خویش است و به دیگری نمیاندیشــد.هیچ کس به دیگری حتی کسی که کنار او نشسته، فکر نمی کند. با ایسن وجود یادم

میآید ۱۵ســال پیش که در آمســتردام زندگی می کردم به این فکر فرو رفتـــه بودم که اروپایی ها

در مادیات غرق شدهاند و در دل هایشان خبری از عاطفه نیست. باور کنید یکبار کلید خانهام دست دوستى بود و منتظر بودم تا او كليد را بياورد. در مــدت ۱۵ دقیقهای که کنار خانــه منتظر آن دوُست بودم، از سوالات رهگذاران به ستوه آمدم، از بس درباره مشکلم پرسیدند و خواستند کمکم کنند. بــرای آن که خودم را از این همه احســاس مسئولیتی که رهگذران داشتندراحت کنم، شروع به قدم زدن کردم. بعداز آن خوشـحال شــدم که مردم درباره همنوعشان را ديدم. آنها 1. در مورد بلاتکلیفی دیگری حساس بودند و دلشان



مهمانداربهخاطروضع شغلىاش،هميشهبايدخندان باشد؛ حتى اگر چند لحظه ييش يدرش را از دست داده باشد اگر بخواهد به خاطر غمی که در دل دارد و

ر مردماخم کند، کارش پیش نمی رود.ماهم همیشه بابد در مواجهــه با مردم (حتى اگر مشـــکلى دار بور) لبخند بزنيم وجلوى أنها خوش باشيم. ممكن است قبلاز كنسرت تصادف كنيمو خودرومان ازبين برود، بالين وجودباز هم بايد با همان كيفيتي كه از ما سراغ دارندروی صحنه برویم سعی همه هنر مندان آن است که همیشه خودشان را خوب نشان دهنداما حال وروز آنهادر چنین وضعی کاملاً تصنعی است. گاهی اوقات باید وانمود کنیم حالمان خوب است. این در حالی است که اتفاقاتی که در مملکت مامی افتد (خودکشے واسيدپاشي و ...) والبتَه اوضاع نابسامان هنر دُر ايران، برای هیچ کس حال و رمقی باقی نگذاشته اس مسائل همیشه مرارنج میدهد. به همین خاطر است که بارها گفتهام میخواهم صحنه را ترک کنم امابعد

به واسطه اتفاق ناخوشایندی که در زندگی اش افتاده،

Tarheno@shahrvand-newspaper. Ir | التروط طرح فو: Tarheno@shahrvand-newspaper. Ir

مردمدوستدارند «ما» خودمان نباشیم

که بیشتر تأمل کردم، دیدم همان طور که هنرمند به مردم نیاز دارد، مردم هم بــه هنرمندان نیاز دارند. ینابراین هر جرکتی که از سیوی ماانجام می شیود، بايد خواست و نياز مردم را در درون خود لحاظ كرده باشد بالیایی جودهمارایم می سوزیمودی سازم. برخی[مردمافکرمی کنندهنرمندان نه چک دارندنه اجارهخانه و نه خیلی از مشــکلات دیگر را یادم است خانمی مــرادر خیابان دیدو گفــنداخیلی ممنون که خوب برخورد کردید، پیش از این هنرمند بزرگی رادر گل فروشی دیدم که با من خیلی بد برخورد کردا! من از شنیدن سخنان این خانم تعجب کردم میدانیدچرا؟ چون هنرمندی که این خانم اسمش را أورد، برای من نمونه بارز اخلاق است. گفتم: «خانم شما چه انتظاری داشتید که بر آور ده نشد؟ حتما در آن برهٰه گرفتاری داشته که نتوانسته آن گونه که شما











